

جامعه ی شیعه باید با متانت راه خودش را ادامه دهد. ما «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین» را رها نمی کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن علیه السلام - که نعمت خداست - را محکم نگه می تمسک نکرده است، دعوا هم است. آنچه که دشمن می وظیفه ی جامعه ی تسنن هم بدانند که نقشه ی دشمن، ایجاد اختلاف است، ایجاد تعصب است، برادر کشی است. دشمنان به کمتر از برادر کشی هم راضی نمی شوند.



وظیفه ی جامعه ی تسنن هم همین طور است. برادران اهل تسنن هم بدانند که نقشه ی دشمن. ایجاد اختلاف است. برادر کشی است. دشمنان به کمتر از برادر کشی هم راضی نمی شوند.

مطمئن شوید که با تکلیف از دیدن هی

امیر المؤمنین کسی است که برای خدا و در راه خدا از دوران کودکی تا لحظه ی شهادت یک لحظه و در یک قضیه پا عقب نکشید و دچار تردید نشد و همه ی وجود خود را در راه خدا به میدان آورد. آن وقتی که باید تبلیغ می کرد، تبلیغ کرد؛ آن وقتی که باید شمشیر می زد، در رکاب پیغمبر شمشیر زد و از مرگ نترسید؛ آن وقتی که لازم بود صبر کند، صبر کرد؛ آن وقتی که لازم بود زمام سیاست را به دست بگیرد، سیاست را به دست گرفت و وارد میدان سیاست شد. و در همه ی این دوران های گوناگون، آنچه لازمه ی فداکاری از آن بزرگوار بود، بروز و ظهور پیدا کرد.



متمسکین بولایة امیر المؤمنین

اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به ولایت امیر المؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگیمان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگ ترین نمونه این است که هر چه بتوانیم، استقرار عدل کنیم. بزرگ ترین نمونه این است که هر چه

هر آن دلی که به مهر علی بود آباد در آستانه ی آن دل ملک بود مُنقاد بر آستان ولایت هر آنکه گشت مقیم بر او ز آتش دوزخ خط سلامت باد

«اگر یادتان بود و باران گرفت... دعایی به حال جیبان کنید»

محل درج آرم شما

عرفه آمده از یار خب نیست چرا؟

چقدر ناله زخم آه، کجایه آقا!



☆ **دوش دیدم که کسی در عرفاتم می گفت**

☆ **هر که دارد هوس کربلا بسم ا...!**

☆ **هر که مجنون حسین است بگو بر خیزد**

☆ **هر که دیدار خدا خواست بیاید با ها**

خداوند متعال در روز عرفه به سه مکان و سه گروه از انسانها، توجه ویژه دارد :

اول : کربلا و زائران امام حسین (ع) .

دوم : صحرای عرفات (در نزدیکی مکه) و حجاج بیت الله . سوم : هر جا از دنیا که دستی به سوی او بلند شود و دلی بشکند ...

«مهر» پیغمبر در روز عرفه

پیامبر گرامی هم در سخن معروف خود در غدیر از کلمه مولا استفاده کرده اند و نه امام. اینجا می خواهیم به دو کلمه امام و مولا دقیق تر نگاه کنیم و ببینیم که معنای هر کدام چیست و کدامیک پرمعنا تر و عظیم تر است. لقب مشترکی که ما برای جانشینان پیامبر به کار می بریم، امام است.



ولی ا...، حجة خدا در زمین، وصی پیامبر، خلیفه پیامبر، صاحب مقام ولایت، فرزند پیامبر استفاده کنیم. از طرف دیگر شنیده ایم که پیامبر خدا در روز غدیر به خود و به علی علیه السلام لقب مولا داده است و فرموده است که «من کنت امامه» بنابراین جا دارد که درباره معنای امام بیندیشیم و آن را با مولا مقایسه کنیم.

معنای کلمه امام : امام به معنای

عید قربان روز عید است



عید قربان که پس از وقوف در عرفات (مرحله شناخت) و مشعر (محل آگاهی و شعور) و منا (سرزمین آرزوها، رسیدن به عشق) فرا می‌رسد، عید رهایی از تعلقات

می‌خواند، آنچه تو را، در راه «مسئولیت» به تردید می‌افکند، آنچه تو را به خود بسته است و نگه داشته است، آنچه دلبستگی اش نمی‌گذارد تا «پیام» را بشنوی، تا حقیقت را اعتراف کنی، آنچه ترا به «فرار» می‌خواند، آنچه ترا به توجیه و تاویل‌های مصلحت‌جویانه می‌کشاند، و... و اکنون تو در منای، ابراهیمی، و اسماعیلیت را به قربانگاه آورده‌ای. اسماعیل تو کیست؟ چیست؟ مقامت؟ آبرویت؟ موقعیتت؟ شغلت؟ پولت؟ خانه ات؟ املاکت؟ امروز زمان تیغ نفس با تقوایت فرا رسیده...

است. رهایی از هر آنچه غیرخدایی است. در این روز حج گزار، اسماعیل وجودش را، یعنی هر آنچه بدان دلبستگی دنیوی پیدا کرده قربانی می‌کند تا سبک‌بال شود. این را تو خود می‌دانی، تو خود آن را، او را هر چه هست و هر که هست باید به منا آوری و برای قربانی، انتخاب کنی، من فقط می‌توانم نشانی‌هایش را به تو بدهم: آنچه تو را، در راه ایمان ضعیف می‌کند آنچه تو را در «رفتن»، به «ماندن»



علی امام سجاد در روز عید قربان

پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم هرگاه خواستی که در میان بندگان خیر، نیکویی، سلامتی، عافیت، برکت، هدایت و توفیق عمل و طاعت خودت را تقسیم کنی و یا هر خوبی که به ایشان عطا می‌کنی تا بدان وسیله به سوی تو هدایت شوند و یا آن که درجه و مقام آنان را در نزد خود بالا ببری و یا آن که بدان وسیله خیر دنیا و آخرت را به ایشان مرحمت کنی، از همه آنها به من بهره کافی و نصیبم را مرحمت فرما.

ادامه از صفحه ۱ که آنها را به سوی آتش هدایت می‌کنند. امام آن چیزی است که از وی پیروی و به وی اقتدا می‌شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن و نیز خواه حق باشد یا باطل. در غدیر خم به حدی وسیع است که هرگز محدود به خلافت ظاهری نیست و نشان دهنده خلافت حقیقی علی علیه السلام برای رسول خداست. آن حضرت دارای همه مقامات و اختیارات پیامبر است و مومنان هم او را بخاطر اجرای فرمان خدا و بخاطر علم و عصمت و عدالتش که به تأیید خدا و رسول رسیده است، اکرام می‌کنند و بر خودشان مقدم می‌دارند.

معنای کلمه مولی: مولی نیز با کلمه ولایت هم ریشه است و دارای معنای پیروی است اما معنای دوستی هم می‌دهد. قرآن می‌گوید خدا مولای مومنان است و خدا بهترین مولاست که هر دو معنی را می‌دهد یعنی مومنان خدا را دوست دارند و از او پیروی می‌کنند اما

مولا معنای منفی هم دارد و قرآن از مولاهاى بد هم نام برده است. بنابراین هر دو کلمه امام و مولا معنای کلی دارند و برای اینکه معنای دقیق آن را بفهمیم به نحوه استفاده شدن آنها در جمله و نحوه بیان آن می‌پردازیم:

انتخاب مناسب کلمه توسط پیامبر: پیامبر گرامی در غدیر خم کلمه مولا را به کار برده اند و نه امام. برای اینکه معنای دقیق مولا را بفهمیم از چند راه می‌توانیم کمک بگیریم؛ یکی اجتماع بزرگ مردم که به دستور پیامبر در یک نقطه گرد آمدند و دوم از رفتار مردم و اعتراف‌های مردم بعد از حادثه غدیر. در اینجا می‌خواهیم به کمک کلمات خود آن حضرت معنای مولا را درک کنیم. ایشان قبل از جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً»، اینگونه فرمودند: آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ مردم، یکصدا گفتند بله ای رسول خدا، در اینجا در حقیقت پیامبر تو بر ما از خودمان سزاوارتری. با یادآوری قسمتی از آیه ششم سوره احزاب از آنها این اقرار را گرفت: النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ. بنابراین

مومنان در همه مسائل مالی و جانی و ارتباط با دیگران، همیشه مواظب هستند که اگر خواسته پیامبر مخالف خواسته شان باشد، فوراً نظر پیامبر را بر نظر خود اولویت و ترجیح دهند. از اینجا می‌فهمیم که کلمه «مولا» در این جمله پیامبر صلی الله علیه وآله مفهومی وسیعتر از امام دارد. آن حضرت قبل از آنکه سخن از مولی به میان بیاورند، اولویت خود را بر مومنان یادآوری کردند. بنابراین منظور آن حضرت از کلمه مولا، تنها به معنای آن نیست که علی دوست و یا سرپرست شماس؛ بلکه معنای مولا از سرپرست و امام ظاهری هم فراتر است زیرا در دورانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مکه حضور داشتند هم مولای مومنان بودند و بر مومنان اولویت داشتند، هرچند که حاکم نبودند و امامت ظاهری نداشتند. بنابراین مولا، کلمه ای پرمعنا تر از امام است و عبارت مَن كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً پرمعنا تر از «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً» است، زیرا اگر امام را به

معنای پیشوای ظاهری و حاکم زمانه معنا کنیم، مولا کسی است که حتی اگر امکان و اجازه حاکم شدن را به او ندهند، باز هم بر دیگران اولویت دارد و تا آن حد در علم و عصمت پیشروی کرده است که هر کس حقیقتاً مومن باشد خواسته او را بر خواسته خودش ترجیح می‌دهد. آری، پیامبر مولا بود و علی علیه السلام هم مولاست و پیامبر در غدیر به مردم این حقیقت را یادآوری کرد و اعلان عمومی فرمود که همه بدانند که درست است که علی علیه السلام دارای مقام نبوت نیست اما دقیقاً مانند پیامبر بر مردم ولایت و اولویت دارد. بسیاری از شیعیان از حدیث غدیر تنها برای اثبات حقانیت خلیفه بودن علی علیه السلام و جانشینی آن جناب در حکومت استفاده می‌کنند؛ اما سخن پیامبر در غدیر خم به حدی وسیع است که هرگز محدود به خلافت ظاهری نیست و نشان دهنده خلافت حقیقی علی علیه السلام برای رسول خداست. آن حضرت دارای همه مقامات و اختیارات پیامبر است و مومنان هم او را بخاطر اجرای فرمان خدا و بخاطر علم و عصمت و عدالتش که به تأیید خدا و رسول رسیده است، اکرام می‌کنند و بر خودشان مقدم می‌دارند.

مولا کسی است که حتی

اگر امکان و اجازه ی حاکم شدن را به او ندهند، باز هم بر دیگران اولویت دارد